

بسم الله الرحمن الرحيم

تقسیم کار اروپا و آمریکا برای اختلال محاسباتی ایران

در روزهای گذشته، اروپایی ها طی دو نوبت با آمریکا ظاهراً همراهی نکرده اند. این عدم همراهی سه کشور اروپایی (تروئیکای اروپایی) موجب خوشحالی بیش از اندازه برخی از افراد در داخل کشور شده است. این مقاله درصدد است تا ضمن تبیین چرایی این عدم صوری از اهداف اروپا پرده برداشته و تاکید کند که این بازی آنها نیز همچنان به نفع آمریکا ارزیابی می شود. بنابراین اروپایی ها همچنان غیرقابل اعتماد هستند.

یک تقسیم کار شیطانی

از سال ۱۳۹۷ که آمریکا به شکل یک طرفه، از برجام خارج شد، عده ای خوش بینانه و ساده انگارانه، ماندن اروپایی ها در برجام را نشانه شکست آمریکا و انزوای این کشور می دانستند و از این رو کشور و اقتصاد کشور را در انتظار خوش عهدی اروپایی ها در موضوعات بیهوده ای چون کانال مالی اینستکس، نگاه داشتند. دیری نپایید که پیش بینی

حکیمانه رهبر انقلاب مبنی بر عدم اعتماد به اروپا واضح شد. آنسان که وزیر امور خارجه کشورمان، سه کشور اروپایی را همدستان نتانياهو و پمپئو دانست.

این موضوع از اول معلوم بود که بین آمریکا و تروئیکای اروپایی یک تقسیم کار نانوشته وجود دارد و آن این که؛ آمریکا با برداشتن چماق خروج از برجام نقش پلیس بد را بازی کند و اروپا با هویج ماندن در برجام، ایران را مقید به تعهدات هسته‌ای و تعلیق یکسویه فعالیت‌های هسته‌ای نگاه دارد.

ایران با اتخاذ سیاست موسوم به "صبر راهبردی" چند ماه را سپری کرد اما از عمل به وعده‌ها و وعیده‌ها از سوی طرف اروپایی خبری نشد. سرانجام سیاست کشورمان از صبر راهبردی به کاهش گام به گام تعهدات هسته‌ای تغییر یافت و این گام‌ها طی پنج نوبت برداشته شد. امری که بر غربی‌ها سنگین آمد و تا حدودی حساب کار دستشان آمد که فشار حداکثری نتیجه‌ی معکوس خواهد داشت. حالا دیگر بر خوش‌بین‌ترین افراد نیز معلوم شده بود که هیچ اعتمادی به اروپا نیست.

۲۷ مهرماه و انتخابات آمریکا دو موعد راهبردی برای غربی‌ها

اکتبر آینده (۱۸ اکتبر و ۲۷ مهرماه) و نوامبر پیش رو (۳ نوامبر و ۱۳ آبان) دو موعد حساس برای آمریکا و هم‌پیمانان غربی اوست. در تاریخ ۲۷ مهرماه، بر اساس مفاد برجام، تحریم تسلیحاتی ایران پایان می‌یابد، این در حالی است که غربی‌ها در تغییر رفتار نظام انقلابی ما، نتیجه دلخواه خود را نیافته‌اند و فشار حداکثری و تحریم‌های بی‌سابقه نیز به سقف خورده و نتیجه معکوس داشته است. از این رو به شدت نگران عملی شدن رفع تحریم تسلیحاتی هستند، چون با این کار

ایران عملاً امکان تکمیل نقص های خود در زمینه تسلیحات - خصوصاً هوایی - را خواهد یافت و قدرت بازدارندگی دفاعی اش دوچندان خواهد شد.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز موعدی است که اگر ترامپ بتواند تحریم تسلیحاتی ایران را تمدید کند می تواند به عنوان یک برگ برنده در مقابل رقیب خود، استفاده کند. در این مرحله نیز همان تقسیم کار شیطانی و این بار به شکلی دیگر انجام شد.

ابتدا آمریکا با تقدیم قطعنامه محکومیت ایران در شورای امنیت به میدان آمد که با رای ممتنع سه کشور اروپایی و مخالفت ده کشور دیگر روبه روشد. مجدداً آمریکا برای فعال سازی مکانیزم ماشه از طریق شورای امنیت اقدام کرد که با مخالفت کشورهای عضو روبه روشد. البته در این مرحله، آمریکا شکست سنگینی خورده است و تاکنون راه به جایی نبرده است. اما این شرایط نباید مسئولان سیاست خارجی و هسته ای ما را دچار اختلال محاسباتی کند زیرا قصه همان قصه تقسیم کار نانوخته و پنهانی است و آن این که آمریکا قطعنامه می آورد و اروپا نیز رای ممتنع می دهد! این یک فریب آشکار است؛ چرا؟

زیرا اروپا قطعاً باید به این قطعنامه رای منفی می داد. با این که ایران به زور یک جانبه به همه تعهدات خود- به اذعان آژانس- عمل کرده است، این سه کشور در دوماه گذشته ایران را در شورای حکام محکوم کرده و در شورای امنیت نیز بجای رای مخالف، با زرنگی خاص شیطانی خود، اقدام به رای ممتنع می کنند.

در واقع اینجا نیز با سیاست انگلیسی خود، سعی دارند برای مدتی دیگر ایران را در برجام نگاه دارند تا تعلیق فعالیت های هسته ای همچنان ادامه یابد. به عبارت دیگر اروپایی ها، به خوبی

می‌دانند تصویب قطعنامه در شورای امنیت، مساوی است با خروج ایران از برجام! آنگاه است که دیگر هیچ دستاویزی برای کنترل ایران نخواهند داشت.

برنامه آینده آمریکا و اروپا در برابر ایران چیست؟

اکنون و در حالی که چند روز به پایان تحریم تسلیحاتی ایران مانده است، زمزمه‌هایی از سوی اروپایی‌ها شنیده می‌شود که نشان می‌دهد آن‌ها در صددند با یک دست برجام را نگاه دارند و با دست دیگر تحریم تسلیحاتی ایران را تمدید کنند. وزیر خارجه فرانسه در روزهای اخیر طی تماسی با دکتر ظریف، از لغو تحریم تسلیحاتی ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای آن ابراز نگرانی کرده است! هم‌چنین وزیر خارجه آلمان نیز در دیدار با همتای صهیونیستی‌اش، از رفع تحریم تسلیحاتی ایران اظهار ناخشنودی کرده و خواستار تغییر رویکرد منطقه‌ای ایران شده است! به عبارتی همان بازی برجام ۲ (تسلیماتی و موشکی) و برجام ۳ (دست کشیدن از حمایت از مقاومت) را دوباره کلید زده‌اند.

آمریکا و اروپا در دوماه باقی مانده، تمام تلاش خود را برای تغییر محاسبات و رفتارهای مسئولان ایرانی به کار خواهند گرفت. به خصوص این که ترامپ نیز در پی شکست‌های پیاپی‌اش، خود را به در و دیوار می‌زند تا برگ‌های برنده‌ای را دست و پا کند. با این حساب بعید نیست دست به تشدید فشارهای حداکثری در عرصه‌های مختلف بزند. همراه‌سازی اروپا یکی از این ابزارهاست. در این شرایط مسئولان ایرانی به ویژه نمایندگان مجلس یازدهم و دستگاه خارجی ما باید سناریوهای مقابله با این فشارها را از قبل آماده کنند.

بازگشت به سمت غنی سازی ۲۰ درصد، جمع آوری دوربین های آنلاین و محدود سازی بازرسی ها، خروج از برجام و حتی خروج از پروتکل های الحاقی می تواند در هر مرحله پاسخ متناسب با اقدامات حریف باشد.

بدون تردید ایران انقلابی با پیش بینی های لازم، گام های پیروزمندانه، این مرحله از آزمون مقاومت را نیز پشت سر خواهد نهاد و استکبار برای بار دیگر، شکست سنگین دیگری را تجربه خواهد کرد.

در شرایط فعلی وظیفه جریان مؤمن انقلابی چیست؟

جریان مؤمن انقلابی، به‌عنوان جریانی که همواره در عرصه‌ها و صحنه‌های انقلابی پیشگام و پیشرو بوده و در قبال حوادث مختلف سینه سپر کرده است، اکنون نیز بیش از هر مجموعه و جریانی در قبال شرایط و وضعیت کشور دغدغه داشته و احساس تکلیف می‌کند؛ زیرا با توجه به شرایط عمومی کشور، فاصله‌ی واقعیت‌ها با بایدها زیاد بوده و جامعه اکنون با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند که از دیدگاه انقلابی، شایسته نیست. با این حال، این جریان همچون گذشته تلاش دارد تا با مجاهدت و تلاش بی‌وقفه، به اثبات هر چه بیشتر کارآمدی با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و با نگاه جهادی و انقلابی کمک کند. در واقع، شاید بتوان گفت که مهم‌ترین رسالت این جریان، اعم از نخبگان، مسئولان و بدنه‌ی اجتماعی انقلابی آن است که اثبات کنند مشکلات کشور با اتکا به درون و بدون سرخم کردن در مقابل استکبار قابل حل است و تنها با اعتماد به داخل می‌توان از پیچ تاریخی کنونی با موفقیت عبور کرد؛ زیرا چنانچه این گزاره به‌عنوان نسخه‌ای معتبر توسط جامعه پذیرفته نشود، نسخه‌های رقیب که عبارت‌اند از حل مشکلات با نگاه به بیرون و البته با پذیرش الزامات رفتاری متناسب با آن مانند عدول از استکبارستیزی و انقلابی‌گری و... یا پذیرش دستور کاره‌ای خارجی و استعماری در کشور نضع پیدا می‌کند که در هر دو صورت، ماندگاری انقلاب اسلامی در

معرض خطر جدی و نابودی قرار می‌گیرد. بنابراین، اکنون سؤال این است که جریان انقلابی برای اقدام در این راستا چه باید بکند؟ در پاسخ می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد:

۱- جدا کردن مسائل اصلی از فرعی:

آن گونه که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز متذکر شده‌اند، «تقابل اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی دنیای معاصر است و مسلم است که منظور از این اسلام، اسلام آمریکایی و اسلام وهابی نیست، بلکه اسلام سیاسی تمدن ساز است که در ایران و جمهوری اسلامی تجلی یافته است. بنابراین، مهم‌ترین عرصه‌ی رویارویی نظام، همچون همیشه مقابله با استکبار است. بر همین اساس، اختلاف نظرها و تفاوت سلیقه‌ها در داخل کشور، باید در جهت کمک به موضع و موقعیت انقلاب و نظام اسلامی در مقابل استکبار حل و رفع شود. در واقع، تا زمانی که بحث رویارویی استکبار با انقلاب اسلامی مطرح است، مسئله‌ی اصلی و اولویت‌دار، مقابله و مبارزه با استکبار است و در این راستا، باید از مسائل فرعی که مقابله با جریان تحریف: وحدت و انسجام انقلابی را خدشه‌دار می‌کند، پرهیز شود.

۲- تمرکز بر دوگانه‌ی تحریف و تحریم:

دوگانه‌ی تحریف و تحریم در تلاشی هم‌راستا و هم‌پوشان تلاش می‌کنند تا مانع از به بار نشستن انقلابی‌گری درون‌گرا و اثبات کارآمدی آن در حل مشکلات جامعه شوند؛ با این تفاوت که جریان تحریف، معطوف به سمت‌گیری ذهنی بوده و در آن تلاش عمده متمرکز بر تغییر محاسبات است و جریان تحریم، صورت عملی دارد و در قالب فشارهای عملی بر زندگی و معیشت مردم خود را نشان می‌دهد. به بیان دقیق‌تر، رابطه‌ی وابستگی متقابل میان این دو وجود دارد؛ به این ترتیب که ابتدا با توطئه‌های مختلف تلاش کردند تا تصویر داخل ایران را دگرگون سازند و سپس با تحریم‌ها، تلاش کردند تا زمینه‌های لازم برای تغییر محاسبات در داخل کشور توسط جریان تحریف شکل بگیرد و سپس، بر مبنای

تصویرسازی‌های همین جریان تحریف و ارسال پیام‌های ضعف به خارج، به تشدید تحریم‌ها روی آوردند. امروزه نیز جریان تحریف با طرح شعارها و مطالبات به ظاهر عقلانی و موجه تلاش می‌کند تا با تسلیم‌سازی نظام در برابر فشارهای استکباری، انقلاب را از صراط مستقیم خود منحرف سازد. جریان تحریف این کار را با استفاده از ابزار رسانه و تصویرسازی انجام می‌دهد. بنابراین، در نقطه‌ی مقابل جریان انقلابی باید با تبیین صحیح، منطقی، به هنگام و سریع، ابزار رسانه را از دشمن و جریان تحریف بگیرد و به مهم‌ترین جهادش؛ یعنی امیدآفرینی و ایجاد نگاه خوش‌بینانه نسبت به آینده پردازد.

۳- کمک به روی کار آمدن دولت جوان حزب‌اللهی:

واقعیت آن است که اگر جریان انقلابی به‌طور کامل و تمام‌قد در صحنه باشد، اما دولت حاکم در نظام، جهت‌گیری‌های انقلابی‌اش ضعیف باشد، کارآمدی با نگاه درون‌زا و انقلابی، شکل نمی‌گیرد؛ زیرا وقتی عمده‌ی امکانات و ظرفیت‌های کشور در دولت متمرکز است، با تکیه به این ظرفیت‌ها بهتر و راحت‌تر می‌توان به ترویج کارآمدی نگاه انقلابی در کشور کمک کرد. در واقع، با جوان و حزب‌اللهی بودن دولت، به‌طور حداکثری می‌توان از امکانات موجود در کشور برای تحقق اهداف انقلابی بهره برد. بنابراین، یک رسالت اصلی جریان انقلابی آن است که با تکلیف‌گرایی نتیجه‌محور و آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و پرهیز از اختلاف و تشتت، از هم‌اکنون برای روی کار آمدن دولتی جوان و حزب‌اللهی تلاش کند. در این میان به نظر می‌رسد که مجلس کنونی مهم‌ترین عرصه و دستگاهی است که می‌تواند در ریل‌گذاری برای روی کار آمدن دولتی جوان و حزب‌اللهی نقش داشته باشد. بنابراین، اکنون با توجه به غلبه‌ی جریان انقلابی در ترکیب این مجلس، این دستگاه باید تلاش کند تا با اقدامات انقلابی و اثربخش، بارقه‌های امید و اعتماد جامعه نسبت به حل مشکلات کشور با نگاه انقلابی و درون‌زا را زنده نگه‌داشته و تقویت کند.

برداشت اندیشکده های آمریکا از ابعاد توان نامتقارن قدرت ایران

پس از افزایش تنش میان ایران و آمریکا در برهه اخیر و افزایش احتمال وقوع درگیری نظامی میان دو کشور، اندیشکده های و تحلیلگران آمریکایی ارزیابی و نگرانی خود را پیرامون ظرفیت های نامتقارن ج.ا.ا برای مقابله و برخورد با آمریکا مورد بررسی قرار دادند که پیرامون ظرفیت های نامتقارن ج.ا.ا برای مقابله و برخورد با آمریکا مورد بررسی قرار دادند که تماماً متأثر از ارزیابی و اسناد بالادستی منتشر شده توسط دفتر اطلاعات ملی، کاخ سفید و وزارت دفاع بوده است. این ارزیابی ها به طور کامل شامل محورهای زیر است:

توان نامتقارن در حوزه نظامی:

بهره گیری از توانمندی موشک های بالستیک، پهپادی، گروه های نیابتی و ... در مواجهه با پایگاه ها و مراکز آمریکایی مستقر در غرب آسیا.

توان نامتقارن در حوزه سایبری:

بهره‌گیری از ظرفیت‌های هکری که توسط مراکز دولتی ایران طی سالیان اخیر به وجود آمده و امکان وارد آوردن خسارت‌هایی به زیرساخت‌های حیاتی آمریکا را ایجاد کرده است.

استفاده از تسلیحات کشتار جمعی - شیمیایی:

با توجه به احتمال توسعه و نگهداری سلاح‌های شیمیایی توسط ج.ا.ا این کشور در صورت وقوع درگیری امکان بهره‌گیری از این گونه تسلیحات علیه نیروهای نظامی آمریکا در منطقه را دارا است.

توان تأثیرگذاری و دست‌کاری افکار عمومی:

ج.ا.ا در تلاش است تا توان تبلیغاتی خود را در حوزه‌های شبکه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های سایبری باهدف انحراف افکار عمومی توسعه دهد.

۱- در استراتژی ملی ضداطلاعات ایالات متحده که اخیراً توسط مرکز ملی امنیت و ضداطلاعات وابسته به دفتر اطلاعات ملی آمریکا منتشر شده است، یکی از محورهای پنج‌گانه مأموریت‌های مقابله با تهدیدات این کشور که توسط بازیگران خارجی امکان وقوع دارد، دفاع از دموکراسی آمریکا در برابر اثرگذاری بازیگران خارجی از طریق بهره‌برداری از بسترهای ارتباطی و زیرساخت‌های سایبری و رسانه‌ای است.

۲- در گزارش ارزیابی تهدیدات جهانی ۲۰۱۹ دفتر اطلاعات ملی آمریکا، تهدیدات سایبری علیه زیرساخت‌ها و اقتصاد این کشور، توسعه و بهره‌برداری از موشک‌های بالستیک و ایجاد

و بهره‌برداری از زیرساخت‌های مدیریت و دست‌کاری ادراک با اهداف اخلاقی در فرایندهای دموکراتیک از جمله تهدیدات قابل پیش‌بینی از سوی ج.ا.ا در نظر گرفته شده بود.

۳- کاخ سفید نیز در سند استراتژی سایبری سال ۲۰۱۸ خود ایران را در کنار چین، روسیه و کره شمالی به‌عنوان بازیگران تهدیدزا در حوزه سایبری قرار داده بود و امکان طراحی و به‌کارگیری ظرفیت‌های سایبری و هکری توسط ج.ا.ا برای تهدید زیرساخت‌های حیاتی این کشور را مورد اشاره قرار داده است. این مورد نیز در سند استراتژی دفاع ملی ۲۰۱۸ وزارت دفاع آمریکا به‌عنوان تهدیدی از سوی ج.ا.ا برشمرده شده بود.

۴- اندیشکده شورای آتلانتیک به‌تازگی نشست تخصصی را با بعضی از متخصصین امور ایران برگزار کرد و به بررسی ابعاد تلاش‌های پراکنده مستند شده برخی از کنشگران سایبری ایرانی طی سالیان اخیر برای اثرگذاری بر محیط خارج از ایران پرداخت و ایجاد یا توسعه زیرساخت تبلیغاتی باهدف مدیریت ادراک محیط داخلی سایر کشورها توسط ج.ا.ا را به‌عنوان یکی از تهدیدات قابل توجه گزارش کرد.

ملاحظه:

اقتضائات نظام سیاسی آمریکا و قوانین مرتبط با آزادی اطلاعات که زمینه بهره‌برداری رقبای بین‌المللی این کشور طی سالیان اخیر به‌خصوص در برهه انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا را فراهم آورد، موجب نگرانی ساختار و اندیشکده‌های این کشور شده است. ارزیابی حاکی از آن است که با توجه به اعمال محدودیت‌های گسترده بر فعالیت نهادهای بین‌المللی ج.ا.ا و با توجه به اثربخشی کوتاه‌مدت و مؤثر حاصل از ایجاد زیرساخت تأثیرگذاری، بهره‌برداری

ساختارمند از این حوزه می‌تواند بر قدرت نامتقارن کشور برای مقابله و تضعیف کشورهای
متخاصم از جمله ایالات متحده آمریکا بیافزاید.